

قتل با اعتقاد به مهدورالدم بودن

مجید متین راسخ *

۱. وقایع پرونده

پس از کشف جسد مرحوم. م در باشگاه بدنسازی، کارآگاهان نسبت به ردیابی تماس‌های تلفنی وی مبادرت نموده به جهت اینکه آخرین تماس‌ها با آقایان ح.م و ا.ح.م بوده است ایشان را با دستور قضایی به عنوان مظنون به قتل دستگیر می‌نمایند که از همان ابتدا هر دو متهم نسبت به تشریح ماجرا اقدام می‌نمایند. متهم ح.م. اظهار داشته با مقتول در باشگاه بدنسازی آشنا شدم، مرحوم در باشگاه بوفه داشت و هم‌چنین برنامه رژیم غذایی و ... می‌نوشت از این طریق به من نزدیک شد و به بهانه‌های مختلف من جمله از بین بردن موهای زاید بدن مرا به منزل خود دعوت می‌نمود. در منزل خود با نشان دادن فیلم‌های مستهجن و ... چندین نوبت به من تجاوز کرد به این خاطر از او بسیار ناراحت شده بودم و تصمیم به قتل او گرفتم با ا.ح.م. موضوع را مطرح کردم متوجه شدم با او نیز همین کار را کرده است لذا با خریدن یک قبضه چاقوی تیز و تهیه یک عدد تیغ موکت‌بری به منزل او رفتیم هنگامی که او داشت فیلم می‌دید من با چاقویی که در دست داشتم چندین ضربه که به نظرم شش یا هفت ضربه بود محکم به سر او زدم و ا.ح.م. نیز با تیغ به بدن او زد، سپس با برداشتن مقداری از وسایل منزل مقتول از محل متواری شدیم ضمناً هر دو متهم اقرار به شرب خمر قبل از حضور در منزل مقتول نموده‌اند. متهم دیگر پرونده ا.ح.م. نیز ضمن تأیید اظهارات و اقرار ح.م. اظهار داشت مقتول نسبت به من لواط ننموده است و نمی‌دانم چرا حمید این را

* مستشار دادگاه کیفری یک تهران - عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرقدس.

majid.matinrasekh@yahoo.com

می‌گوید لیکن مشارکت خود را در حد ورود چندین ضربه به بدن مقتول، شرب خمر و سرقت از منزل مقتول می‌پذیرد.

پرونده امر پس از وصول نظریه پزشکی قانونی دایر بر علت تامه مرگ، بازسازی صحنه قتل و صدور قرار مجرمیت با کیفرخواست به دادگاه کیفری استان تهران ارسال که رسیدگی آن به شعبه ۱۱۳ ارجاع می‌گردد. شعبه مرجوع‌علیه با بررسی پرونده بدواً به لحاظ صغر سن متهم ا.ح.م. پرونده وی را با صدور قرار عدم صلاحیت به دادگاه اطفال ارسال می‌نماید که از نتیجه آن بی‌اطلاع است لیکن متهم دیگر طی دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۵۷۰۰۱۶۸ به تحمل ده‌سال حبس تعزیری و پرداخت یک فقره دیه کامل مرد مسلمان در حق اولیاءدم بابت قتل، یک‌سال حبس تعزیری و تحمل پنجاه ضربه شلاق تعزیری بابت سرقت و تحمل هشتاد تازیانه جهت حد شرب خمر محکوم شده است که این حکم در دیوان نقض و پس از رسیدگی مجدد متهم مذکور به تحمل سه‌سال نگهداری در کانون اصلاح و تربیت و پرداخت یک فقره دیه کامل مرد مسلمان در حق اولیاءدم بابت قتل عمدی و یک‌سال نگهداری در کانون اصلاح و تربیت بابت سرقت و تحمل هشتاد ضربه شلاق حدی بابت شرب خمر محکوم نموده است. این دادنامه در شعبه یازدهم دیوان عالی کشور تأیید شده است.

مشخصات رأی بدوی

شماره دادنامه: ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۵۷۰۰۱۶۸

تاریخ صدور رأی: ۹۲/۱۰/۲۴

اتهام: مباشرت در قتل عمدی، شرب خمر و سرقت

مرجع رسیدگی: شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری استان تهران

متن رأی

درخصوص اتهام آقای ح.م فرزند ر. دایر به مباشرت در قتل عمدی مرحوم. م. فرزند ح. با ضربات متعدد چاقو، شرب خمر و سرقت توجهاً به اظهارات و اقرار متهم که منطبق با واقع نیز می‌باشد جرایم انتسابی به ایشان محرز و مسلم تشخیص داده مستنداً به مواد ۶۵۲ از بخش تعزیرات و ۲۶۴ و ۲۶۵ قانون مجازات

اسلامی مصوب ۱۳۹۲ متهم موصوف را به تحمل یکسال حبس تعزیری و پنجاه ضربه شلاق تعزیری بابت سرقت و تحمل هشتاد نازیانه بابت حد الهی شرب خمر محکوم می‌نماید. لیکن چون متهم اظهار داشته است اعتقاد قوی به مهدورالدم بودن مقتول داشته است و با این اعتقاد مبادرت به قتل نموده است مستنداً به ماده ۳۰۳ قانون مجازات اسلامی ایشان را به تحمل دهسال حبس تعزیری و پرداخت یک فقره دیه کامل مرد مسلمان در حق اولیاءدم محکوم می‌نماید. درخصوص متهم دیگر پرونده بنام ا.ح.م. فرزند ر. چون ایشان به سن بلوغ نرسیده است قرار عدم صلاحیت خویش را به اعتبار و شایستگی دادگاه اطفال صادر و اعلان می‌نماید. رأی صادره حضوری بوده ظرف مهلت ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در دیوان عالی کشور است.

مشخصات رأی فرجامی

شماره دادنامه: ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۷۱۰۰۱۵۳

تاریخ صدور رأی: ۹۳/۲/۳۰

مرجع رسیدگی: شعبه ۱۱ دیوان عالی کشور

متن رأی

باتوجه به بررسی اوراق و محتویات پرونده اولاً اعتراض وکیل به دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۵۷۰۰۱۶۸ صادره از شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری استان تهران نظر به اینکه بزه انتسابی و ارتكابی توسط ح.م. از جرایم مشمول قصاص بوده فلذا تبدیل مجازات وی نیاز به بررسی رشد عقلی او به هنگام ارتكاب جرم و نهایتاً اعمال ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی داشته نه ماده ۸۹ که مورد استناد دادگاه قرار گرفته علی‌هذا دادنامه مذکور به استناد بند ۴ شق ب ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری نقض و جهت رفع نقض ذکر شده و صدور رأی منقضی به شعبه صادرکننده رأی ارجاع می‌گردد.

مشخصات رأی اصراری

شماره دادنامه‌ها: ۹۴۰۹۹۷۲۶۱۷۷۰۰۰۰۱

تاریخ صدور رأی: ۹۴/۱/۲۶

مرجع رسیدگی: شعبه ۸۴ دادگاه کیفری استان تهران

متن رأی

در خصوص اتهام ح.م. ۱- دایر بر مشارکت در قتل عمدی ۲- مشارکت در سرقت ۳- شرب خمر که سابقاً با نظر اکثریت اعضای دادگاه اتهام مشارکت در قتل به مباشرت در قتل تغییر عنوان داده و به تحمل حبس و شلاق و دیه در حق اولیاءدم محکوم شده است. توجهاً به اینکه دادگاه در جهت رفع نقض مدنظر دیوان محترم عالی کشور متهم را به کمیسیون پزشکی قانونی معرفی و ارجاع نموده است و پاسخ واصله به شماره ۱/۳۳/۱۷۰۶/۹۳ - ۹۳/۱۰/۲۱ که حکایت از عدم درک ماهیت جرم انجام شده توسط متهم دارد و اعلام شده متهم حرمت رفتار خود را به دلیل عدم رشد و کمال عقلی درک نمی‌کرده است علی‌هذا ... - گردش کار و شرح ماجرا بیان شده است - با عنایت به مراتب فوق و دفاعیات متهم و مجموع اوراق و محتویات و قرائن و امارات موجود در پرونده، هرچند ولی دم مصراحتاً تقاضای قصاص متهم را دارد لیکن برای دادگاه ثابت و مسلم است که متهم در اثر اشتباه مبنی بر مهدورالدم بودن مقتول مرتکب قتل گردیده و نظریه اخیر پزشکی قانونی مبنی بر اینکه متهم هنگام ارتكاب جرم ماهیت جرم انجام شده و حرمت آن را به دلیل عدم رشد و کمال عقلی درک نمی‌کرده است تأیید می‌نماید و باتوجه به آرای متهم مبنی بر اینکه ضربات وارده به گردن به بالا تنه مقتول را وی وارد نموده است که همین ضربات منجر به مرگ گردیده و به فرض ثبوت وارد کردن یک ضربه با کارد به سر و ضربات پایین تنه از سوی دوست وی - که برای او به لحاظ صغر سن قرار عدم صلاحیت صادر گردیده - تأثیری در فوت نداشته است، متهم ح.م. را عامل اصلی قتل تشخیص داده و با تغییر عنوان اتهامی از مشارکت به مباشرت در قتل عمدی و ضمن صدور حکم برائت از اتهام مشارکت در قتل عمدی نامبرده را به استناد قسمت اخیر ماده ۳۰۳ و ۸۹ بند ب و پ و ۱۳۴، ۱۳۵، ۹۱، ۲۶۵ و ۱۷۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ مواد ۶۵۶ و ۶۶۷ قانون تعزیرات مصوب ۷۵ نامبرده را بابت مباشرت در قتل عمدی به پرداخت یک فقره دیه کامل مرد مسلمان در حق ولی دم مقتول و از جنبه عمومی قتل نه نگهداری در کانون اصلاح و تربیت به مدت سهسال و بابت مشارکت در سرقت به نگهداری در کانون به مدت یکسال و رد اموال مسروقه و بابت

شرب خمر به تحمل هشتاد تازیانه به عنوان حد شرب خمر محکوم می‌نماید.
 رأی صادره حضوری و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی
 در دیوان عالی کشور است.

این دادنامه طی شماره ۰۰۰۷۱۰۱۲۰۶ مورخ ۹۴/۴/۲۲ در شعبه یازدهم
 دیوان عالی کشور تأیید و جهت اجرا به واحد اجرای احکام دادسرای جنایی تهران
 ارسال شده است.

۲. نقد و بررسی

به نظر می‌رسد برای نقد دادنامه‌های مذکور باید به چهار سؤال اساسی پاسخ

داد:

۱. سابقه تقنینی و تشریحی ماده ۳۰۳ قانون مجازات اسلامی چیست؟
۲. محدوده اعمال مقررات ماده ۳۰۳ قانون مجازات اسلامی چه میزان است؟
۳. شرایط مدنظر مقنن در اعمال مقررات ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی چیست؟
۴. میزان مجازات قابل تحمیل به افراد زیر ۱۸ سال چقدر است؟

پاسخ سؤال اول:

از نظر فقهی سابقه تشریح قتل با اعتقاد به مهدورالدم بودن به زمان نزول آیات ۹۲ الی ۹۴ سوره مبارکه نساء برمی‌گردد. در این آیات عیاش ابن‌ابی‌ربیعیه فردی بنام حارث بن زید که از شکنجه‌گران مکه بود، به قتل می‌رساند و سپس مشخص گردید، حارث بن زید قبلاً مسلمان شده و توبه کرده است، لذا با این دفاع - قتل با اعتقاد مهدورالدم بودن - حکم موضوع صرفاً پرداخت دیه به اولیاء دم و آزاد کردن یک برده مؤمن تشریح گردید. در آیه ۹۳ نیز فردی بنام مقیس ابن کنانی پس از دریافت دیه قتل برادرش از قبیله بنی نجار، یکی از افراد آن قبیله را بنام قیس بن هلال فهری که به دستور پیامبر همراه مقیس بود را به قتل رسانید - با ادعای قصاص - و سپس به سمت مشرکان گریخت و از اسلام روی گردان شد. لیکن چون این فرد پس از دریافت خون‌بها مبادرت به قصاص

نموده بود طبق صریح آیه شریفه محکوم به خلود دائمی در جهنم و - قصاص در صورت دسترسی به وی - گردید و در آیه ۹۴ نیز اسامه بن زید هنگام عزیمت به سمت فدک جهت دعوت یهودیان به اسلام یا پذیرفتن شرایط ذمه مرتکب قتل فردی یهودی بنام مرداس می‌گردد به گمان اینکه او به دروغ اظهار اسلام نموده و قصد اذیت و ایذاء مسلمانان را دارد. به همین خاطر حکم ایشان نیز صرفاً پرداخت دیه و آزاد کردن یک بنده مؤمن بیان گردید.^۱

طرح موضوع قتل، اعتقاد به مهدورالدم بودن در رویه قضایی ایران تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی جایگاهی نداشت و مجازات قاتل به هر حال مجازات قتل عمدی بود، لیکن بعد از انقلاب اسلامی حکم آن در تبصره دوم ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی ذکر گردیده بود ضمن اینکه در قوانین سایر کشورهای اسلامی من جمله مصر و عراق نیز به نوعی قتل با اعتقاد به مهدورالدم بودن پذیرفته شده است.^۱

پاسخ سؤال دوم:

اصولاً در اعمال ماده ۳۰۳ قانون مجازات اسلامی باید اعتقاد صادقانه مرتکب به مهدورالدم بودن مقتول احراز شود نه اینکه اصل مهدورالدم بودن یا نبودن مجنی‌علیه مورد بررسی قرارگیرد. البته این نکته مهم را نباید از نظر دور داشت که اعتقاد مرتکب، به مهدورالدم بودن باید به گونه‌ای باشد که نوع افراد چنانچه معتقد به آن باشند همان‌گونه خواهند اندیشید که او قربانی را مهدورالدم فرض نموده است. فلذا چنانچه قاضی با قرائن و امارات معتبر به این نتیجه رسید که فی الواقع جانی با اعتقاد به مهدورالدم بودن مجنی‌علیه، مرتکب این جنایت شده است و آن اعتقاد نیز به گونه‌ای است که هر شخص معقول و منطقی دیگری غیر از او نیز چنین برداشتی می‌نمود باید حکم به اعمال مقررات مذکور نماید.

۱. علامه سید حسین طباطبایی، تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۴۲.

۲. علامه سید حسین طباطبایی، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۶۰.

پاسخ سؤال سوم:

طبق شرع انور اسلام و مقررات کیفری برگرفته از فقه جعفری، اصل بر مسئولیت کیفری اشخاص بالغ و درک ماهیت عمل ارتكابی آنان است مگر آن که خلاف آن ثابت شود. در مورد اعمال مقررات ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی نیز می‌بایست چنین پاسخ داد که اصل بر درک ماهیت اعمال و رفتار توسط اشخاص زیر ۱۸ سال است مگر آن که ادعایی از سوی مرتکب، وکیل وی یا شبهه‌ای از سوی دادگاه بر چنین درکی حادث شود. به عبارت دیگر اعمال مقررات ماده ۹۱ نه به عنوان یک اصل بلکه فرع بر ادعا یا شبهه عدم درک ماهیت اعمال و رفتار نوجوان است.

پاسخ سؤال چهارم:

وفق مقررات فصل دهم از قانون مجازات اسلامی و با نظر داشت ماده ۱۳۴ قانون مآر الذکر بیشترین مدت حبس قابل تحمیل به نوجوانان، پنج سال خواهد بود به عبارت دیگر اصولاً قانون‌گذار برای افراد بالغ زیر ۱۸ سال که مرتکب جرایم تعزیری می‌شوند با حذف مجازات شلاق، در مجموع بیش از پنج سال حبس را به رسمیت نشناخته است.

۳. تحلیل محتوایی دادنامه

دادنامه بدوی به شماره ۰۰۰۵۷۰۰۱۶۸ شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری استان تهران به نظر می‌رسد دارای اشکالاتی از این قبیل باشد:

۱. برخلاف رویه محاکم قضایی این دادنامه فاقد هرگونه گردش کار می‌باشد.
۲. استدلال و کیفیت احراز اعتقاد به مهدورالدم بودن مقتول توسط قاتل در رأی صادره مشخص نگردیده و اصولاً خواننده پس از مطالعه رأی نمی‌داند چرا و به چه اعتباری اعتقاد جانی به مهدورالدم بودن مجنی علیه احراز گردیده است.
۳. در دادنامه موصوف چگونگی و چرایی عدول از مشارکت و اعتقاد به مباشرت به قتل قید نگردیده است و حال آن که شایسته بود محکمه در دادنامه به صورت مستدل و مستند به این مهم می‌پرداخت.

۴. با توجه به این که در نظریه پزشکی قانونی هرگونه تعرض جنسی نزدیک به لواط نیز پس از معاینه توسط کارشناسان رد گردیده است، معلوم نیست چگونه و با چه قراینی دادگاه محترم اعتقاد مرتکب را به مهدورالدم بودن مقتول به لحاظ لواط احراز نموده است خاصه آن که متهم دیگر هرگونه عمل جنسی مقتول با او را تکذیب نموده است.

۵. هرچند سرقت و شرب خمر توسط مرتکبان می‌تواند توجیهات منطقی‌ای مانند منحرف کردن مأموران در کشف حقیقت داشته باشد اما دادنامه مانحن‌فیه از توجیه آن مغفول مانده و این وضعیت، خواننده را با این شبهه روبرو می‌کند که چگونه فردی که دیگری را مهدورالدم دانسته و برای انجام تکلیف شرعی به ارتکاب قتل مبادرت ورزیده است خود دو فعل حرام حدی مرتکب شده است و در عین حال ماهیت آن اعمال را درک نکرده و به همین لحاظ از مجازات رهایی یافته است.

۶. نظر اکثریت بدون بیان استدلال و نظر اقلیت به عنوان دادنامه تنظیم شده است و حال آن که باید حتی نظر اقلیت نیز به صورت مستند و مستدل در دادنامه ثبت شود.

و اما دادنامه مورخ ۹۳/۲/۳۰ شعبه یازدهم دیوان عالی کشور که با وصف تنظیم گردش کار، مفصل و دقیق به نظر می‌رسد دارای اشکالات ذیل است:

۱. اصولاً دادگاه پس از اعتقاد به اعمال مقررات ماده ۳۰۳ قانون مجازات اسلامی دیگر محلی برای بررسی وضعیت نوجوان مرتکب، از حیث درک یا عدم درک ماهیت عمل ارتكابی خویش ندیده است. چرا که وقتی فردی می‌داند، می‌فهمد و تصمیم می‌گیرد و عالماً و عامداً آن تصمیم را با اعتقاد به مهدورالدم بودن اجرایی می‌کند. نمی‌توان پذیرفت که او ماهیت عمل ارتكابی خود را درک نموده است یا این که در رشد و بلوغ فکری او شک نمود. خصوصاً اینکه مرتکب یا وکیل مدافع او نیز چنین ادعایی ننموده است، فلذا این ایراد دیوان عالی کشور فاقد محل می‌باشد.

پس از وقوع قتل به منظور انحراف فکری مأموران در کشف انگیزه قتل، دقیقاً بیان می‌نمود.

۲. دیوان محترم عالی کشور با عدول از اصل مسئولیت کیفری افراد بالغ زیر ۱۸ سال فرض را بر عدم درک ماهیت عمل ارتكابی توسط ایشان گذاشته و با این وصف دادگاه را مکلف نموده تا در این خصوص از پزشکی قانونی استعلام نماید غافل از آن که با گذشت حدود دوسال از زمان وقوع قتل حقیقتاً اظهار نظر پزشکی قانونی نمی‌تواند صحیح و مفید باشد.

۳. نظر به استناد دیوان محترم عالی کشور به ماده ۲۵۴ قانون آیین دادرسی کیفری در دادنامه مذکور، صحیح این بود که پرونده او پس از نقض به شعبه هم‌عرض ارجاع می‌گردید و نه همان شعبه صادرکننده رأی بدوی. و در نهایت در خصوص دادنامه شماره ۰۰۰۱۷۷۰۰۰۰۱ شعبه ۸۴ دادگاه کیفری استان تهران می‌بایست نکات ذیل را مطرح نمود:

۱. چگونه می‌توان پذیرفت مرتکب، هم ماهیت عمل ارتكابی خود را درک نکرده و از مقررات ماده ۹۱ بهره‌مند گردد و هم با اعتقاد به مهدورالدم بودن، مرتکب قتل عمدی شده و مشمول مقررات ماده ۳۰۳ قانون مآر الذکر گردد. اصولاً دادگاه می‌بایست یا با تبعیت از نظر دیوان، صرفاً اعمال مقررات مربوط به ماده ۹۱ را می‌نمود یا این که به نظر سابق خویش اصرار می‌ورزید و مجدداً علی‌رغم نظر دیوان و گواهی پزشکی قانونی با اعتقاد به درک ماهیت اعمال ارتكابی متهم، او را مشمول ماده ۳۰۳ قانون مجازات اسلامی می‌دانست.

۲. نکته جالب توجه دیگر در خصوص این دادنامه این که دادگاه محترم علی‌رغم پذیرش عدم درک ماهیت رفتار متهم در قتل او را به اجرای حد الهی شرب‌خمر بدون توضیح در کیفیت احراز ماهیت شرب‌خمر و تمیز آن از قتل نموده است. چگونه و چرا مرجع قضایی نسبت به دو رفتار حکم به درک ماهیت اولی و عدم درک ماهیت رفتار دوم نموده است.

۳. هرچند این دادنامه از این حیث که از سرقت مقرون به اذیت و آزار که در دادنامه سابق آمده بود عدول، و به سرقت مشمول ماده ۶۵۶ قابل تحسین است لیکن به نظر می‌رسد می‌بایست علت آن را به لحاظ ارتكاب سرقت

